

ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس تاکتیک‌های تعارض (CTS-2) در زنان و مردان

Psychometric properties of conflict tactics scale (CTS-2) in women and men

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۱۲/۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۱۰/۲۹

Jazayeri R. PhD[✉], Kajbaf M.B. PhD,
Amiri Sh. PhD, Molavi H. PhD

رضوان السادات جزایری[✉]، محمدباقر کجباغ^۱،
شعله امیری^۱، حسین مولوی^۱

Abstract

Introduction: The purpose of this study was to standardize the Conflict Tactics Scale among married women and men in Isfahan.

Method: The research was a survey, in which 250 married persons were selected regarding gender and socioeconomic status through stratified sampling, and 45 abused married women and men were randomly selected. The instrument was CTS-2 which evaluates domestic abuse with the abuser and the abused dimensions including physical abuse, physical injury, affection abuse, sexual abuse, and negotiation subscales. Financial abuse subscale was also added. For data analysis, Cronbach's Alpha, Test-retest, discriminate analysis, and correlation with total score were used.

Results: The data analysis according to Cronbach's alpha, and test-retest, as well as discriminate validity coefficient showed that both reliability and validity were suitable for CTS-2. Moreover, high sensitivity and specificity in cut-off points of 40 and 59 for abuser and abused revealed that CTS-2 had a high discrimination.

Conclusion: This study revealed that Conflict Tactics Scale with five subscales and an additional financial subscale has suitable psychometric characteristics for assessing spouse abuse in the Iranian samples.

Keywords: Conflict Tactics Scale, Physical Abuse, Physical Injury, Affection Abuse, Sexual Abuse, Financial Abuse

چکیده

مقدمه: هدف پژوهش، هنجاریابی مقیاس تاکتیک‌های تعارض بین زنان و مردان متأهل شهر اصفهان بود.

روش: این مطالعه از نوع پیمایشی بود و ۲۵۰ زن و مرد متأهل با توجه به جنس و موقعیت اقتصادی-اجتماعی به شیوه نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای و ۴۵ نفر زن و مرد متأهل آزر دیده به صورت تصادفی انتخاب شدند. ابزار پژوهش، مقیاس تاکتیک‌های تعارض (CTS-2) بود که خشونت خانوادگی را در بعد آزارگر و آزار دیده در خرده مقیاس‌های آزار (فیزیکی، صدمه جسمی، عاطفی و جنسی) و مذاکره ارزیابی می‌نماید. خرده مقیاس آزار مالی نیز به آن اضافه شد. در تحلیل داده‌ها از ضرایب اعتبار آلفای کرونباخ، آزمون- بازآزمون، تحلیل تمایزات و همبستگی با نمره کل استفاده گردید.

یافته‌ها: محاسبه اعتبار براساس روش آلفای کرونباخ و آزمون- بازآزمون و نیز ضرایب روایی بیانگر اعتبار و روایی مطلوبی برای این مقیاس بود. در ضمن ضرایب حساسیت و ویژگی بالا در نقاط برش ۴۰ و ۵۹ برای آزارگر و آزر دیده نشان از قدرت تشخیص بالای این آزمون بود.

نتیجه‌گیری: این مطالعه نشان داد مقیاس تاکتیک‌های تعارض با ۵ خرده مقیاس و نیز خرده مقیاس مالی افزوده شده به آن از ویژگی‌های روان‌سنجی بسیار مطلوب برای ارزیابی همسرآزاری در نمونه‌های ایرانی برخوردار می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: مقیاس تاکتیک‌های تعارض، آزار فیزیکی، صدمه جسمی، آزار عاطفی، آزار جنسی، آزار مالی

✉ **Corresponding author:** Department of Counseling, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Isfahan University, Isfahan, Iran
Email: rs.jazayeri@yahoo.com

✉ دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران
۱- گروه روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

خشونت یک مشکل بین‌المللی است و در بیشتر کشورهای دنیا وجود دارد [۱، ۲]. استراس و همکاران [۳] خشونت را انجام رفتاری می‌دانند که هدفش فراهم‌ساختن درد فیزیکی و یا آسیب‌زدن به فرد دیگر می‌باشد. خشونت ضربات جبران‌ناپذیری برپیکر خانواده و جامعه وارد می‌کند و تأثیر سوء بر فرزندان برجای می‌گذارد [۴]. از جمله عمده‌ترین جنبه‌های خشونت، خشونت خانگی است که تحت تأثیر عوامل متعددی صورت می‌گیرد و در تمام نقاط جهان قابل مشاهده است [۵]. این نوع خشونت انجام رفتاری است که از روی قصد صورت می‌گیرد و باعث ایجاد درد و جراحت می‌شود [۶]، در ضمن خشونت خانگی به استفاده از هر نوع زور و اجبار که منجر به تهدید جسمی و روانی و ایجاد محدودیت برای آزادی فرد قربانی در خانواده شود نیز گفته می‌شود [۷]. از جمله مؤلفه‌های خشونت خانگی، کودک‌آزاری، سالمندآزاری و همسرآزاری می‌باشد. همسرآزاری به رفتارهایی اطلاق می‌شود که با قصد و نیت قبلی برای صدمه جسمی و روانی یا پایمال کردن حقوق همسر به کار گرفته می‌شود [۸] و شامل بدرفتاری و خشونت علیه همسر در هر نوع رابطه نزدیک و صمیمی است [۹]. خشونت نسبت به همسر در ابعاد متعددی صورت می‌گیرد، این ابعاد عبارتند از: خشونت فیزیکی، روانی، مالی و جنسی.

گسترده‌ترین ابزاری که تا به حال در زمینه ارزیابی همسر آزاری مورد استفاده قرار گرفته است، مقیاس تاکتیک‌های تعارض می‌باشد که توسط استراس و همکاران [۱۰] برپایه نظریه تعارض ساخته شده است. ویرایش دوم مقیاس تاکتیک‌های تعارض (CTS-2)، ابزار اصلاح‌شده و بسط‌یافته مقیاس CTS1 استراس در سال ۱۹۷۹ می‌باشد. CTS2 راه‌حل‌ها و تاکتیک‌های خاصی که زوجین به‌هنگام تعارض در ارتباط با همسر خود استفاده می‌نمایند را مورد سنجش قرار می‌دهد و ضریب اعتبار ۰/۷۹ برای آن گزارش شده است. مقیاس تاکتیک‌های تعارض به‌عنوان یک ابزار قابل اعتماد جهت برآورد میزان همسرآزاری است که شامل مؤلفه‌های فیزیکی، عاطفی، جنسی، آزار و صدمه جسمی و مذاکره می‌باشد و در آن به‌طور همزمان فرد از شرایط خشم حاکم بر خود (به‌عنوان یک قربانی، برای مثال: همسر به‌من توهین می‌کرد یا فحاشی می‌نمود) یا از شرایط خشم خود نسبت به همسرش (به‌عنوان یک آزارگر، برای مثال: به‌همسر توهین می‌کردم یا فحاشی می‌نمودم) گزارش می‌دهد. این ابزار شامل لیستی از رفتارهایی است که امکان دارد در طی تعاملات نزدیک بین زوجین اتفاق افتد، برای مثال زمانی وجود دارد که زوجین با یکدیگر توافق ندارند، از دست همسر خود رنجیده خاطر شده‌اند یا با یکدیگر دعوا کرده‌اند یا حتی زمانی که هر یک از زوجین در حالت نامطلوبی به‌سر می‌برند مثل خستگی و عصبانیت. در این

مقیاس شدت و ضعف همسرآزاری همزمان به‌صورت دو جانبه (ارتکاب همسرآزاری یا تجربه همسرآزاری) و نیز فراوانی رویداد ابعاد آن مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و قدرت آن در تمرکز بر رفتارها و وقایع خاص در روابط بین زوجین است. این ابزار در مورد ۷۰۰۰۰ نفر از فرهنگ‌های مختلف از جمله آفریقایی-آمریکایی، آمریکایی-اسپانیایی‌تبار به‌کار گرفته شده و در کشورهای متعددی از جمله هنگ‌کنگ، ژاپن، اسپانیا، هند و سوئد مورد استفاده قرار گرفته است [۱۱]. در رابطه با مقیاس تاکتیک‌های تعارض رامیرز و استراس [۱۲] در پژوهش خود در مورد یک نمونه ۴۱۷ نفری از دانشجویان تگزاس راجع به تأثیر سؤال‌های مستقیم بر میزان افشاگری همسرآزاری، مقدار اعتبار را برای این مقیاس بین ۰/۵۹ برای آزار جنسی تا ۰/۸۳ برای مذاکره مطرح کرده‌اند. لون‌دوسکی و همکاران [۱۳] در مطالعه خود مبنی بر اثرات همسرآزاری بر زنان و فرزندانشان در مورد یک نمونه ۱۲۰ نفری از زنان که ۵۰ درصد آنها سفید و ۳۹ درصد آمریکایی-آفریقایی و ۱۱ درصد آنها عرب-آمریکایی و هندی-آمریکایی با میانگین سنی ۳۴/۰۳ سال و دارای سابقه همسرآزاری بودند، میزان اعتبار را برای این مقیاس ۰/۹۲ گزارش داده‌اند. فوران و اولیری [۱۴] در مطالعه خود بر روی یک نمونه ۴۵۳ نفری از زوجین با عنوان بررسی رابطه بین پرخاشگری فیزیکی نسبت به همسر و مشکل نوشیدن، حسادت و کنترل عصبانیت به‌عنوان متغیرهای پیش‌بین، میزان آلفا را برای افراد آسیب‌دیده ۰/۷۵ و برای افراد عادی ۰/۸۵ مطرح کرده‌اند. در ضمن اسلپ و اولیری [۱۵] ثبات درونی این مقیاس را در حد مطلوب گزارش داده‌اند. وگا و اولیری [۱۶] نیز در پژوهش خود میزان اعتبار مقیاس CTS2 را براساس روش بازآزمایی بین ۰/۳۰ برای آزار جنسی تا ۰/۷۶ برای آزار فیزیکی گزارش داده‌اند. این ابزار خشونت نسبت به همسر را در ابعاد متعددی مورد بررسی قرار می‌دهد، این ابعاد عبارتند از: خشونت فیزیکی، روانی و جنسی. با توجه به اینکه وضعیت اقتصادی و اجتماعی از جمله عوامل تأثیرگذار بر همسرآزاری است و نیز تأمل راجع به وضعیت فرهنگی دینی مردم ایران و دستورات دینی مبنی بر پرداخت نفقه برای هزینه‌های زندگی توسط مرد به همسر، پرخاشگری مالی می‌تواند به‌عنوان یکی از خرده‌مقیاس‌های همسرآزاری مطرح شود. اما در مقیاس تاکتیک‌های تعارض مؤلفه مالی مورد بررسی قرار نگرفته است. با توجه به لزوم ارزیابی همسرآزاری در روابط زناشویی و تعیین حیطه‌های پراسیب آن، در این پژوهش خرده‌مقیاس همسرآزاری در حیطه مالی نیز به آن افزوده شد.

ابعاد مقیاس CTS2 آزار و صدمه جسمی و خشونت فیزیکی، روانی و جنسی است. خشونت فیزیکی به‌سادگی اثبات‌پذیر است و تعریف ساده کاربردی دارد [۱۷] و برای ایجاد آسیب و آزار بدنی به‌کار می‌رود، مثل کتک‌زدن، خفه‌کردن، شکنجه‌نمودن و قتل. در

برای رشد خشونت فراهم می‌آورد.

همسرآزاری یک‌سوم زنان را در سراسر جهان دربرگرفته است [۳۷] و عمدتاً افرادی که برای درمان مسایل ناشی از همسرآزاری مراجعه می‌کنند، وجود خشونت را به‌عنوان یک مشکل مطرح نمی‌نمایند [۱۹، ۳۸]. لاتالد و همکاران به نقل از اپستین و ورلینچ (۲۰۰۳) مطرح می‌کنند که تنها ۵ درصد افرادی که برای درخواست درمان به‌درمانگر مراجعه می‌نمایند، در توضیح مشکلاتشان از پرخاشگری سخن می‌گویند و در طول مصاحبه‌های فردی ۳۰ درصد از زوجین وقتی که به‌طور مستقیم مورد سؤال قرار می‌گیرند خشونت را مطرح می‌نمایند، اما زمانی که از مراجعین درخواست می‌شود تا فرم‌های توصیفی رفتارهای خشونت‌آمیز را پاسخ دهند، حداقل ۶۰ درصد از افراد حداقل وجود یک برخورد پرخاشگرانه را با همسر خود در سال گذشته مطرح می‌نمایند [۳۹]. این یافته‌ها حاکی از آن است که به‌منظور افزایش شناسایی میزان پرخاشگری در بین زوجین، ابزارهای قابل اعتمادی که به‌صورت فردی پاسخ داده شود، ضرورت دارد.

روش

در این مطالعه از روش آزمون سازی [۴۰] و همچنین روش همبستگی استفاده شد. جامعه آماری اول آن شامل، تمام زنان و مردان متأهل شهر اصفهان بود. نمونه آماری با توجه به توان آزمون و واریانس صفت موردنظر در جامعه (تاکتیک‌های تعارض) و با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۲۵۰ نفر برآورد شد که با توجه به جنس (۱۰۶ مرد و ۱۳۰ زن) و موقعیت اقتصادی اجتماعی (بالا، پایین و متوسط) به‌شیوه نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای از بین افراد متأهل شهر اصفهان انتخاب شدند. (در مطالعات پیمایشی، حجم نمونه ۱۰۰ نفر کفایت می‌کند منوط به آنکه به‌شیوه تصادفی انتخاب شده باشند) [۴۱]. با توجه به ناهمگن بودن، جامعه آماری (شهر اصفهان) از نظر وضعیت اقتصادی - اجتماعی به سه طبقه (بالا، پایین و متوسط) تقسیم شد. بر این مبنای انتخاب اعضای نمونه، با توجه به جنس و اینکه از هر سه طبقه اقتصادی - اجتماعی در نمونه وجود داشته باشد، از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای استفاده شد. از این نمونه ۵۰ زن و مرد به صورت تصادفی، جهت انجام بازآزمایی که با فاصله سه هفته از یکدیگر انجام گرفت، انتخاب شدند. جامعه آماری دیگر هم شامل تمام زنان و مردان مراجعه‌کننده به دادگستری جهت طلاق، و زنان و مردان مراجعه‌کننده به مرکز مداخله در بحران طلاق و مرکز پزشکی قانونی شهر اصفهان در سال ۱۳۸۸ بود. براین اساس، جهت نمونه آماری دوم ۴۵ زن و مرد درخواست‌کننده طلاق با سابقه همسرآزاری شدید و ۴۵ زن و مرد متأهل عادی به‌صورت در دسترس انتخاب شدند.

ابزار مورد استفاده در این مطالعه، مقیاس تاکتیک‌های تعارض بود

این نوع خشونت، فرد با قصد نظارت‌داشتن و کنترل نمودن همسر دست به خشونت می‌زند [۱۸، ۱۹]. به‌هر حال خشونت فیزیکی حتی اگر در سطح کمی نیز صورت گیرد منجر به ایجاد ترس در زن و مرد قربانی می‌شود و احساس گروگان‌بودن را به آنها القاء می‌نماید [۲۰، ۲۱]. این نوع از روابط پرخاشگرانه علاوه بر ایجاد جراحات فیزیکی باعث بروز بسیاری از مشکلات در سلامت جسمانی و نیز ناهنجاری‌هایی در سلامت روان قربانی می‌شود، از جمله افسردگی، اختلال استرس پس از سانحه، اضطراب، آسیب شناختی، سوء مصرف مواد و بیماری‌های جسمانی [۲۲، ۲۳، ۲۴]. خشونت روانی عبارت است از کناره‌گیری خصمانه از همسر و تحقیر او، کاربرد تهدیدهای خشونت‌آمیز و محدود کردن آزادی همسر و جلوگیری از دسترسی او به منابع انسانی و مالی. این پرخاشگری عموماً قبل از پرخاشگری فیزیکی و یا همزمان با آن صورت می‌گیرد. اثرات منفی خشونت روانی بر سلامت جسمانی و روانی قربانیان مشابه و یا حتی شدیدتر از اثرات پرخاشگری فیزیکی مطرح شده است [۲۵، ۲۶]. پژوهش‌ها حاکی از آن هستند که پرخاشگری روانی در مقایسه با پرخاشگری فیزیکی پیشگوی قوی‌تری در فروپاشی زندگی زناشویی است [۲۷].

خشونت و آزار جنسی به‌رفتاری گفته می‌شود که منجر به سوء استفاده و آسیب جنسی شود و این نوع از روابط برخلاف میل همسر باشد، مانند اجبار به برقراری ارتباط جنسی نامطلوب و غیرطبیعی [۲۸]. آزار جنسی منجر به افسردگی، اضطراب و اختلال استرس پس از ضربه در فرد قربانی می‌شود [۲۹]. در پژوهش مارتی و همکاران به نقل از میرزایی و همکاران همسرآزاری و اختلال استرس پس از ضربه به‌عنوان یک عامل خطر برای خودکشی زنان مطرح شده است [۳۰]. خشونت و آزار مالی به‌رفتاری گفته می‌شود که منجر به تبعیض مالی و تحت فشار قراردادن قربانی شود، مثل عدم تأمین نیازهای مالی خانواده و همسر و فروش وسایل و اثاثیه منزل [۲۸] یا ایجاد فشار و فراهم‌نمودن محدودیت در راه دستیابی همسر به پول، تحصیلات و اشتغال [۳۱، ۳۲]. در ضمن به‌بهره‌برداری از منابع مالی همسر، برای مثال قرض‌گرفتن پول به‌نام او و برداشتن پول او [۳۳] و به‌طور کلی ممانعت ایجادنمودن بر سر راه استقلال مالی همسر نیز پرخاشگری مالی گفته می‌شود. این نوع پرخاشگری می‌تواند بیانگر یک رفتار جبرانی باشد که در مقابل تنش و تضاد موجود در خانواده از جانب همسر صورت می‌گیرد [۳۴]. خشونت با طبقه اجتماعی اقتصادی مرتبط است، به‌طوری که میزان آن در بین خانواده‌های دارای طبقه اجتماعی اقتصادی پایین، بیشتر از خانواده‌های دارای طبقه اجتماعی اقتصادی متوسط و بالا است [۳۵]. در این زمینه نتایج یک بررسی میزان خشونت در خانواده‌های زیر خط فقر را ۵ برابر بیشتر از خانواده‌های مرفه مطرح کرده است [۳۶]. فقر، استرس را در فرد افزایش می‌دهد و زمینه مساعدی را

انتخاب و بازآزمایی بر آنها اجرا شد. سپس جهت تعیین ضریب روایی تشخیصی، نقطه برش، حساسیت و ویژگی این مقیاس، یک نمونه ۴۵ نفره از زنان و مردان درخواست کننده طلاق که همسرآزاری از اصلی‌ترین شکایات آنان بود، انتخاب و نمره کل آنها در این مقیاس با نمره کل ۴۵ زوج بدون سابقه همسرآزاری که به صورت تصادفی انتخاب شده بودند، با استفاده از روش تحلیل تمایزات مقایسه شد. تحلیل آماری این پژوهش با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS-17 صورت پذیرفت. براین اساس جهت محاسبه اعتبار روش آلفای کرونباخ و بازآزمایی و جهت تعیین روایی آن، روایی صوری و محتوایی و همبستگی با نمره کل مورد استفاده قرار گرفت. برای محاسبه ضریب روایی تشخیصی، حساسیت، ویژگی و نمره برش مقیاس هم از تحلیل تمایزات استفاده شد.

یافته‌ها

از مجموع ۲۵۰ پرسشنامه توزیع شده، ۲۳۶ مورد آن تکمیل شد که ۵۵/۱ درصد زن و ۴۴/۹ درصد مرد بودند. تحصیلات آزمودنیها در سطح ابتدایی و کمتر ۲/۳ درصد، راهنمایی و سیکل ۵/۹ درصد، متوسطه و دیپلم ۲۴/۴ درصد، کاردانی ۱۶/۳ درصد، لیسانس ۴۳ درصد و کارشناسی ارشد یا بیشتر ۸/۱ درصد بود. میانگین سنی مردان ۳۲/۴ و میانگین سنی زنان ۲۶/۳ سال و میانگین سنی همسران آنها به ترتیب ۲۹/۴ و ۳۰/۳ سال بود. سابقه ازدواج برای مردان ۶/۹ سال و برای زنان ۵/۳ سال بود. بررسی روایی پرسشنامه CTS2 با استفاده از روش همبستگی بین نمرات خرده مقیاس‌ها با نمره کل نشان داد که در افراد آزارگر همبستگی بین نمرات خرده‌مقیاس آزار و صدمه جسمی با نمره کل مقیاس تاکتیک‌های تعارض و خرده‌مقیاس‌های آزار فیزیکی، آزار عاطفی، مذاکره، آزار جنسی و مالی از لحاظ آماری معنادار بود. بررسی ضرایب همبستگی خرده مقیاس‌ها با یکدیگر نیز، نشان می‌دهد به جز همبستگی بین خرده مقیاس مذاکره با خرده مقیاس آزار و صدمه جنسی، و آزار عاطفی و آزار جنسی، همبستگی بین سایر خرده مقیاس‌ها با یکدیگر از لحاظ آماری معنادار بود (جدول ۱).

که توسط استراس و همکاران در سال ۱۹۹۶ تهیه شده است و همسرآزاری را همزمان، به صورت دوجانبه یعنی آزارگر و آزار دیده مورد سنجش قرار می‌دهد. این مقیاس دارای ۷۸ گویه است که همسرآزاری را در حیطه جسمی (با ۱۲ گویه)، روان‌شناختی یا عاطفی (با ۸ گویه)، زورگویی جنسی (با ۷ گویه)، آسیب و صدمه جسمی (با ۶ گویه) و یک خرده‌مقیاس برای نشان‌دادن استفاده از روش مذاکره به عنوان روش غیرخشن (با ۶ گویه) مورد ارزیابی قرار می‌دهد. ثبات درونی خرده‌مقیاس‌های تاکتیک‌های تعارض از ۰/۷۹ برای آزار فیزیکی و ۰/۸۶ برای آزار عاطفی گزارش شده است [۱۱]. با توجه به اینکه اضافه کردن مؤلفه پرخاشگری مالی به این مقیاس از اهداف پژوهش بود، جهت به‌دست‌آوردن گویه‌های آزار مالی با ۳۰ نفر از قربانیان همسرآزاری مصاحبه بالینی صورت گرفت و نهایتاً ۱۱ گویه مرتبط با پرخاشگری مالی استخراج شد و برای مشخص شدن روایی صوری و محتوایی آن ۴ نفر از متخصصین روان‌شناسی و مشاوره خانواده به این پرسشنامه در طیف نمره صفر تا ۱۰۰ و برحسب توافق این پرسشنامه با اهداف مدنظر برای سنجش همسرآزاری، نمره دادند. میانگین نمره یا میانگین ضریب توافق به‌دست آمده بر اساس نظر چهار متخصص مذکور ۹۱ درصد به‌دست آمد. که نشانگر روایی صوری بالای این پرسشنامه در ارزیابی همسرآزاری می‌باشد. نمره‌گذاری این پرسشنامه در طیف لیکرت شش گزینه‌ای است که تعداد دفعات ارتکاب رفتارهای آزارگری در سال گذشته را، در قالب گزینه‌های هرگز، یک مرتبه، دو مرتبه، سه تا پنج مرتبه، شش تا ده مرتبه و بیش از ده مرتبه مورد ارزیابی قرار می‌دهد، و دامنه نمرات برای هر گویه بین صفر تا پنج و برای کل پرسشنامه بین صفر تا ۵۰۰ می‌باشد.

جهت بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی این مقیاس، ابتدا فرم لاتین آن تهیه و ترجمه شد. سپس به‌منظور شناسایی نقاط ابهام آن، در مورد یک نمونه ۳۰ نفره از زنان و مردان به صورت پایلوت انجام شد و براساس این اجرا نگارش برخی از گویه‌ها اصلاح گردید و نهایتاً این مقیاس در مورد نمونه اصلی تحقیق انجام گرفت. بدین منظور از نمونه اول ۵۰ نفر از زنان و مردان به صورت دردسترس

جدول ۱- ضرایب همبستگی خرده‌مقیاس‌های CTS-2 با نمره کل در بعد آزارگری

خرده‌مقیاس‌ها	میانگین	انحراف استاندارد	نمره کل	آزار مالی	آزار جنسی	مذاکره	آزار عاطفی	آزار فیزیکی
آزار و صدمه جسمی	۱/۵۵	۳/۱	۰/۴۷۸*	۰/۴۰۷*	۰/۲۰۴*	۰/۰۴۰	۰/۴۵۲*	۰/۵۴۵*
آزار فیزیکی	۳/۸۹	۶/۸	۰/۷۸۴*	۰/۵۵۹*	۰/۳۲۶*	۰/۱۳۴*	۰/۶۳۸*	-
آزار عاطفی	۶/۷۷	۷/۲	۰/۷۶۲*	۰/۶۲۱*	۰/۲۳۴*	۰/۰۶۹	-	-
مذاکره	۱۲/۶۵	۷/۶	۰/۳۶۴*	۰/۱۱۱*	-	-	-	-
آزار جنسی	۲/۶۹	۴/۴	۰/۴۲۶*	۰/۴۹۰*	-	-	-	-
آزار مالی	۴/۱۶	۶/۴	۰/۷۴۹*	-	-	-	-	-
کل	۳۲/۸۳	۲۱/۹	-	-	-	-	-	-

* p<۰/۰۱

جدول ۲- ضرایب همبستگی خرده‌مقیاس‌های CTS-2 با نمره کل در بعد آزر دیده

خرده‌مقیاس‌ها	میانگین	انحراف استاندارد	نمره کل	آزار مالی	آزار جنسی	مذاکره	آزار عاطفی	آزار فیزیکی
آزار و صدمه جسمی	۰/۸۷	۲/۲	۰/۲۶۸*	۰/۲۳۱*	۰/۳۹۵*	-۰/۰۱۸	۰/۲۶۰*	۰/۳۰۲*
آزار فیزیکی	۵/۹۲	۱۰/۱	۰/۶۵۵*	۰/۶۴۰*	۰/۵۶۱*	۰/۳۴۸*	۰/۶۸۹*	-
آزار عاطفی	۸/۶۶	۸/۶	۰/۷۲۷*	۰/۶۶۱*	۰/۴۴۹*	۰/۴۱۲*	-	-
مذاکره	۱۶/۴۵	۸/۴	۰/۴۸۴*	۰/۳۰۴*	۰/۰۲۴	-	-	-
آزار جنسی	۴/۸۱	۶/۹۲	۰/۵۴۸*	۰/۵۹۲*	-	-	-	-
آزار مالی	۷/۶۳	۱۱/۵	۰/۸۲۸*	-	-	-	-	-
کل	۴۳/۲۲	۳۱/۰۰	-	-	-	-	-	-

* p<۰/۰۱

آزار و صدمه جسمی و ۰/۸۳ برای آزار فیزیکی و در افراد آزر دیده بین ۰/۶۵ برای آزار و صدمه جسمی تا ۰/۹۲ برای آزار فیزیکی به‌دست آمد. اعتبار براساس روش بازآزمایی در افراد آزارگر بین ۰/۶۷ برای آزار جنسی تا ۰/۷۵ برای آزار مالی و در بعد آزر دیده بین ۰/۷۱ برای آزار و صدمه جسمی تا ۰/۸۲ برای آزار مالی به‌دست آمد. اعتبار کل هم بر اساس روش آلفای کرونباخ و روش بازآزمایی به‌ترتیب در افراد آزارگر ۰/۹۰ و ۰/۷۳ و در افراد آزر دیده ۰/۹۴ و ۰/۷۶ می‌باشد. این ضرایب نشان‌دهنده اعتبار بالای خرده‌مقیاس‌های تاکتیک‌های تعارض براساس روش بازآزمایی می‌باشد (جدول ۳).

همبستگی بین نمرات خرده‌مقیاس‌ها در افراد آزر دیده نشان می‌دهد که بین نمره کل پرسشنامه با نمرات خرده‌مقیاس‌های آزار و صدمه جسمی، آزار فیزیکی، آزار عاطفی، مذاکره، آزار جنسی و مالی رابطه معناداری وجود دارد. بررسی ضرایب همبستگی خرده‌مقیاس‌ها با یکدیگر نشان می‌دهد که به‌جز همبستگی بین خرده‌مقیاس مذاکره با آزار و صدمه جسمی و آزار جنسی سایر ضرایب از لحاظ آماری معنادار است (جدول ۲). همانطور که ملاحظه می‌شود، اعتبار خرده‌مقیاس‌های تاکتیک‌های تعارض در افراد آزارگر بین ۰/۷۴ برای خرده‌مقیاس

جدول ۳- ضرایب اعتبار خرده‌مقیاس‌های CTS-2 با استفاده از روش آلفای کرونباخ و روش بازآزمایی

آزر دیده		آزارگر			
باز آزمایی	آلفا	تعداد گویه	باز آزمایی	آلفا	تعداد گویه
آزار و صدمه جسمی	۰/۷۱۲*	۶	۰/۷۳۳*	۰/۷۴	۶
آزار فیزیکی	۰/۸۲۴*	۱۲	۰/۷۱۷*	۰/۸۳	۱۲
آزار عاطفی	۰/۷۱۹*	۸	۰/۷۳۲*	۰/۷۸	۸
مذاکره	۰/۷۵۲*	۶	۰/۷۵۷*	۰/۸۲	۶
آزار جنسی	۰/۷۲۳*	۷	۰/۶۷۱*	۰/۷۸	۷
آزار مالی	۰/۸۲۶*	۱۱	۰/۷۵۸*	۰/۷۹	۱۱
کل	۰/۷۵۹*	۵۰	۰/۷۲۸*	۰/۹۰	۵۰

*p<۰/۰۱

جدول ۴- مقایسه میانگین نمره کل آزمودنی‌ها در مقیاس CTS-2 بر حسب عضویت گروهی

بعد	عادی		آزر دیده		لامبدای ویلکز	F	Df1	Df2	معناداری
	تعداد	میانگین	تعداد	میانگین					
آزارگر	۴۵	۱۸/۱۳	۴۵	۶۳/۴	۰/۴۲۷	۱۱۸/۱۲	۱	۸۸	۰/۰۰۰۱
آزر دیده	۴۵	۲۶/۶۴	۴۵	۹۲/۶۷	۰/۳۹۵	۱۳۵/۰۴	۱	۸۸	۰/۰۰۰۱

* p<۰/۰۵

آزمودنی عادی، مقایسه شد. نتایج آزمون‌های لامبدای ویلکز و F نشان داد دو گروه آزمودنی‌های عادی و آزر دیده در نمرات ابعاد آزارگری و آزر دیدگی دارای تفاوت معنادار با یکدیگر می‌باشند (جدول ۴). علاوه بر این، به‌منظور بررسی روایی مقیاس تاکتیک‌های تعارض براساس روش شناسایی سازه‌های بنیادین، از روش تحلیل عاملی

به‌منظور تعیین ضریب روایی افتراقی، حساسیت، ویژگی، توان کل و نقطه برش در افراد آزارگر و آزر دیده مقیاس تاکتیک‌های تعارض از تحلیل تمایزات استفاده شد، براین اساس داده‌های حاصل از پرسشنامه‌های ۴۵ آزمودنی دارای سابقه همسرآزاری که براساس مصاحبه بالینی مشخص شده بودند، با داده‌های پرسشنامه‌های ۴۵

همانطور که ملاحظه می‌شود براساس ضرایب لامبدای ویلکز و مقدار ثابت محاسبه شده، نقطه‌برش ۴۰/۶۰ (۴۰) برای افراد آزارگر و نقطه‌برش ۵۹/۸۴ (۵۹) برای افراد آزاردیده به‌دست آمد. ضرایب حساسیت هم به ترتیب ۸۰ درصد و ۷۵/۶ درصد و ویژگی آنها برابر با ۱۰۰ درصد و توان کل آنها برابر با ۹۰ درصد و ۸۷/۵ درصد به‌دست آمد (جدول ۶).

استفاده شد. این تحلیل نشان داد CTS2 یک ابزار چند بعدی شامل بعد روانی، فیزیکی، صدمه جسمی، مذاکره و مالی است که براساس ۷۰/۴۰ درصد واریانس بعد آزاردیده و ۶۷/۳۳ درصد واریانس در بعد آزارگر تبیین می‌شود. ضرایب KMO نشان می‌دهد که حجم کلی نمونه برای انجام تحلیل عاملی مطلوب بوده است و ضریب بارتلت نیز حاکی از معناداری کفایت حجم نمونه بود (جدول ۵).

جدول ۵- ضرایب KMO و بارتلت جهت تعیین کفایت حجم نمونه

حیطه	ضریب KMO	ضریب بارتلت	درجه آزادی	معناداری
آزارگر	۰/۸۲۴	۶۶۶۲/۳۰	۱۲۲۵	۰/۰۰۰۱
آزاردیده	۰/۸۸۶	۸۶۰۲/۲۶	۱۲۲۵	۰/۰۰۰۱

جدول ۶- شاخص‌های روان‌سنجی CTS-2 براساس تحلیل تمایزات

بعد آزارگری	مقدار ویژه	همبستگی کانونی	ضریب روایی افتراقی	ضریب ممیز	مقدار ثابت	نقطه برش	حساسیت	ویژگی توان کل
آزارگر	۱/۳۴	۰/۷۵۷	۰/۵۷۳	۰/۵۱	۰/۷۱	۴۰/۶۰	۸۰	۱۰۰
آزاردیده	۱/۵۳۵	۰/۷۷۸	۰/۶۰۵	۰/۳۷	۲/۲۱۴	۵۹/۸۴	۷۵/۶	۸۷/۵

مردان مبنی بر پرداخت نفقه، حیطه مالی به این مقیاس افزوده شد و ویژگی‌های روان‌سنجی این فرم ترکیبی از مقیاس تاکتیک‌های تعارض انجام پذیرفت. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که مقیاس CTS2 دارای روایی بالایی با استفاده از روش‌های تحلیل روایی صوری، محتوایی، همبستگی با نمره کل و ضریب روایی تشخیصی می‌باشد. همبستگی خرده‌مقیاس مالی با نمره کل در افراد آزاردیده ۰/۸۲۸ و در افراد آزارگر ۰/۷۴۹ می‌باشد که نشان از روایی مطلوب این خرده‌مقیاس دارد. در ضمن همبستگی آزار مالی با پنج خرده‌مقیاس دیگر از لحاظ آماری معنادار بود. محاسبه اعتبار این مقیاس نیز برحسب نمره فرد در خرده‌مقیاس‌ها و نمره کل و با استفاده از روش ضریب آلفای کرونباخ و روش بازآزمایی نشان از اعتبار بالای این آزمون بود. تحلیل تمایزات صورت گرفت و نقطه‌برش ۴۰ با حساسیت ۸۰ درصد و ویژگی ۱۰۰ درصد برای افراد آزارگر و نقطه‌برش ۵۹ با حساسیت ۷۵/۶ درصد و ویژگی ۱۰۰ درصد برای افراد آزاردیده به‌دست آمد. این نتایج با مطالعات پیشین همخوانی دارد، نظیر پژوهش استراس و همکاران [۱۱] که ثبات درونی خرده‌مقیاس‌های تاکتیک‌های تعارض را از ۰/۷۹ برای آزار فیزیکی تا ۰/۸۶ برای آزار عاطفی گزارش داده‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که می‌توان از این مقیاس برای ارزیابی همسرآزاری در افراد آزارگر و آزاردیده استفاده کرد. ضمن اینکه براساس نقاط برش ارائه شده برای افراد مذکور می‌توان میزان شیوع آن را نیز به‌خوبی محاسبه نمود. این مقیاس با اضافه‌شدن خرده‌مقیاس همسرآزاری در حیطه مسائل مالی می‌تواند توصیف دقیق‌تری از وضعیت همسرآزاری ارائه دهد.

بحث

مقیاس تاکتیک‌های تعارض که همزمان آزارگر و آزاردیده را مورد سنجش قرار می‌دهد توسط استراس و همکاران در سال ۱۹۹۶ تدوین شده و مطالعات متعددی با استفاده از آن صورت پذیرفته است. اما این مقیاس، همسرآزاری را در حیطه مالی مدنظر قرار نداده، در حالی که موضوعات مالی و شرایط اقتصادی یک حیطه اساسی در آزارگری می‌باشد و تحقیقات متعددی بر نقش مؤلفه اقتصادی تأکید دارند، از جمله پژوهش آلدرونو و همکاران [۴۲]، که بر سطح اقتصادی اجتماعی پایین و همسرآزاری، همتی [۴۳] و مکنری [۴۴] بین میزان درآمد و خشونت در حیطه جسمانی و روانی، اسلاملو و بوشهری [۴۵]، صالحی و صالحی [۴۶] بوجود ارتباط بین مشکلات اجتماعی-اقتصادی و همسرآزاری پرداخته‌اند، در ضمن پناغی و همکاران [۴۷] نیز نداشتن منبع درآمد مالی مستقل برای زنان خانه‌دار و وابستگی مالی به همسر را با تجربه خشونت بیشتر، گزارش داده‌اند. در این ارتباط معظمی [۴۸]، ضعف اقتصادی زنان و آسیب‌پذیری در محیط خانه و ربیعی و همکاران [۳۷] استرس‌های ناشی از بیکاری و نداشتن درآمد مناسب را با همسرآزاری مطرح نموده‌اند. در تبیین مسائل فوق می‌توان گفت که عدم دسترسی به منابع مالی باعث می‌شود که زنان، وابستگی شدید به همسر خود داشته باشند و این شدت وابستگی، خود یکی از عوامل پیش‌بینی‌کننده همسرآزاری است [۴۹]. در ضمن افراد آزارگر عموماً از تکنیک‌هایی استفاده می‌نمایند که از لحاظ مالی به‌صورت منفی بر همسرشان تأثیر می‌گذارد و تلاش در جهت استقلال مالی را در آنها از بین می‌برد [۵۰]. با توجه به جنبه فرهنگی، دینی جامعه ایرانی و وظیفه

in families with young children: Rates, patterns, and connections. *J Couns Clin Psychol.* 2005;73(3):435-44.

16- Vega EM, O'Leary KD. Test- retest reliability of the revised conflict tactics scales (CTS2). *J Fam Violence.* 2007;22:703-8.

17- Alexander R, Wife-battering: An Australian perspective. *J Fam Violence.* 1993;8(3):229-51.

18- Frieze IH. Hurting the one you love: Violence in relationships. Belmont, CA: Wadsworth;2004.

19- Holtzworth-Munroe A, Meehan JC, Rehman U, Marshall AD. Intimate partner violence. In A. S. Gurman & N. S. Jacobson (Eds.), *Clinical Handbook of Couple Therapy.* 3rd ed. New York: Guilford; 2002. 441-65.

20- Barnett OW, Lee CY, Thelen RE. Gender differences in attributions of self- defense and control in interpartner aggression. *Violence Against Wom.* 1997; 3(5):462-81.

21- Towns A, Adams P. If I really loved him enough, he would be okay. *Violence Against Wom.* 2000;6(6):558-85.

22- Holtzworth-Munroe A, Smutzler N, Sandin E. A brief review of the research on husband violence: Part II. The psychological effects of husband violence on battered women and their children. *Aggress Violent Behav.* 1997; 2(2):179-213.

23- Campbell JC, Lewandowski LA. Mental and physical health effects of intimate partner violence on women and children. *Psychol Clin Nurs Am.* 1997; 20(2):353-74.

24- Caetano R, Cunradi C. Intimate partner violence and depression among Whites, Blacks, and Hispanics. *Ann Epidemiol.* 2003;13(10):661-5.

25- Follingstad DR, Rutledge LL, Berg BJ, Hause ES, Polek DS. The role of emotional abuse in physically abusive relationships. *J Fam Violence.* 1990;5(2):107-20.

26- O'leary KD. Psychological abuse: A variable deserving critical attention in domestic violence. *J Violence Vict.* 1999;14(1):3-23.

27- Jacobson NS, Gottman JM, Gortner E, Berns S, Wu Shortt J. Psychological factors in the longitudinal course of battering: When do the couples split up? When does the abuse decrease? *Violence Vict.* 1996;11(4):371-92.

28- Jalali D, Aghaei A, Rahbariyani J. A survey of experienced violence in women who have addicted husbands. *J Wom Study.* 2006;4(2):5-28. [Persian]

29- Mirzaee J, Khodaei MR, Mohammad Khani P. The impact of sexual violence in post traumatic stress disorder (PTSD). *J Rehabil.* 2006;7(4):65-74. [Persian]

30- Mirzaee J, Khodaei MR, Mohammad Khani P. Sexual violence (review of spouse abuse). The Third Congress of Family and Sexual Health. Tehran Shahed Univ. 2005. [Persian]

31- Moe AM, Bell MP. Abject economics: The effects of battering and violence on women's work and employability. *Violence Against Wom.* 2004;10(1):29-55.

32- Brown A, Salomon A, Bassuk SS. The impact of recent partner violence on poor women's capacity to maintain work. *Violence Against Wom.* 1999; 5(4):393-426.

33- Kenney CT, Brown KR. Report from the front lines: The impact of violence on poor women. New York: NOW Legal Defense and Education Fund; 1997.

34- Ezazy Sh. Domestic violence. Tehran: Sali Publication. 2001. [Persian]

35- Hotaling GT, Sugarman DB. An analysis of risk markers in husband to wife violence: The current state of knowledge. *Violence Vict.* 1986;1(2):101-24.

36- Jewkes R. Intimate partner violence: Causes and

نتیجه‌گیری

این نتایج نشان می‌دهد که مقیاس تاکتیک‌های تعارض از روایی و اعتبار مطلوبی برخوردار است و با داشتن ضرایب حساسیت و ویژگی بالا در نقاط برش ۴۰ برای افراد آزارگر و ۵۹ برای افراد آزرده‌دار دارای قدرت بالایی جهت ارزیابی همسرآزاری در نمونه‌های ایرانی می‌باشد، به‌ویژه اینکه خرده‌مقیاس مالی نیز به‌آن افزوده شده است.

تشکر و قدردانی

از تمام افرادی که در پاسخگویی به آزمون و اجرای این پژوهش همکاری داشته‌اند سپاسگزاری می‌شود.

منابع

- 1- Roberts C, Quillian J. Preventing violence through primary care intervention. *Nurs Pract.* 1992;17(8):45-9.
- 2- Clark DW. Domestic violence, screening, policies, and procedures in Indian health service facilities. *J Am Board Fam Pract.* 2001;14(4):252-58.
- 3- Straus MA, Gelles RJ, Steinmetz SK. Violence in the home. In Straus MA, Gelles RJ, Steinmetz SK. (Eds.), *Behind closed doors. Violence in the American Family.* Sage, Newbury Park, CA; 1981.4-28.
- 4- Moazami Sh. Protecting women against domestic violence. *Social Welfare Quarterly.* 2004;3(13):223-50. [Persian]
- 5- Campbell JC. Domestic violence: An education imperative. *Wom Health Nurs.* 1993;4(3):503-12.
- 6- Gelles RJ. Intimate violence in families. 3rd ed. London: Sage publication; 1997.
- 7- Stewart DE, Robinson GE. A review of domestic violence and women's mental health. *Arch Wom Ment Health.* 1998;1(2):83-9.
- 8- Smith MD. Patriarchal ideology and wife beating: A test of a feminist hypothesis. *Violence Vict.* 1990;5(4):257-73.
- 9- Shams-Esfandabad H, Emamipour S, Sadroosadat J. Spouse abuse and its influential factors in married women. *J Rehabil.* 2004;5(3):30-6. [Persian]
- 10- Straus MA. Measuring intra family conflict and violence: The conflict tactics (CT) scales. *J Marriage Fam.* 1979;41(1):75-88.
- 11- Straus MA, Hamby SL, Boney-McCoy S, Sugarman DB. The revised conflict tactics scales (CTS2): Development and preliminary psychometric data. *J Fam Issues.* 1996;17(3):283-316.
- 12- Ramirez IL, Straus MA. The effect of question order on disclosure of intimate partner violence: An experimental test using the conflict tactics scales. *J Fam Violence.* 2006;21(1):1-9.
- 13- Levendosky AA, Graham- Bermann SA. Parenting in battered women: The effects of domestic violence on women and their children. *J Fam Violence.* 2001; 16(2):171-92.
- 14- Foran HM, O'Leary KD. Problem drinking, jealousy, and anger control: Variables predicting physical aggression against a partner. *J Fam Violence.* 2008; 23(3):141-48.
- 15- Slep AMS, O'Leary SG. Parent and partner violence

- bio-psycho-social model of domestic violence. *J Marriage Fam.* 1995; 57:307-20.
- 45-** Farrokh Eslamlu HR, Bushehri B. A survey of spouse abuse and its influential factors in the clients of forensic medicine center in Uromia in the year 1384. *Uromia Med J.* 2007; 18(3):554-61. [Persian]
- 46-** Salehi A, Salehi S. The examination of influential factors of men's violence toward women in Mazandaran. *J Edu Psychol, Univ Sistan & Baluchestan.* 2005; 2:77-98. [Persian]
- 47-** Panaghi L, Ghahari S, Ahmadabadi Z, Yoosefi H. Spouse abuse and mental Health: The role of social support and coping strategies. *J Iranian Psychol.* 2008; 5(17):69-79. [Persian]
- 48-** Moazami Sh. Criminology of domestic violence and spouse -murder in Sistan-Baluchestan. *J Wom Res.* 2004; 2(2):39-53. [Persian]
- 49-** Sullivan CM. The provision of advocacy services to women leaving abusive partners: An exploratory study. *J Interpers Violence.* 1991; 6(1):41-54.
- 50-** Sanders CK, Weaver TL, Schnabel M. Economic education for battered women: An evaluation of outcomes. *J Wom Soc Work.* 2007;22(3):240-54.
- prevention. *The Lancet.* 2002;359(9315):1423-9.
- 37-** Seif-Rabiei MA, Ramezani-Tehrani F, Hatami ZN. Spouse abuse and its influential factors. *J Wom Res.* 2002; 1(4):5-25. [Persian]
- 38-** Rathus JH, Feindler EL. Assessment of partner violence: A Handbook for Researchers and Practitioners. Washington, DC: Am Psychol As. 2004.
- 39-** La Taillade JJ, Epstein NB, Werlinich CA. Conjoint treatment of intimate partner violence: A cognitive behavioral approach. *J Cogn Psychol.* 2006;20(4):393-410.
- 40-** Anastazy A. Mental trail. Translation by Barahani MT. Tehran.Beasat Publication. 1989. [Persian]
- 41-** Molavi H. Practical guide in behavioral sciences: Descriptive and inferential statistics. [Dissertation]. Isfahan: Mehr Ghaem (AJ). 2000. [Persian]
- 42-** Aldarondo E, Sugarman DB. Risk marker analysis of the cessation and persistence of wife assault. *J Couns Clin Psychol.* 1996; 64(5):1010-19.
- 43-** Hemmati R. A survey of spouse abuse prevalence and its influential factors in Islamabad of Zanjan. *J Zanjan Univ Med Sci.* 2005; 13(50):36-43. [Persian]
- 44-** McKenry PC, Julian TW, Gavazzi SM. Toward a